

هم‌چنان که در طرح ده ماده‌یی این مقاومت آمده، ما از سال‌ها پیش خواهان لغو حکم اعدام هستیم و بر آن تأکید داریم و همه هموطنان‌مان را به اعتراض هرچه گسترده‌تر علیه این مجازات ضدانسانی ... فرا می‌خوانیم. (۱)

طرح ما برای آینده، یک ایران بدون اعدام است

مقاومت ایران از سال‌ها پیش اعلام کرده که خواهان لغو حکم اعدام و پایان شکنجه و هرگونه نقض حقوق در ایران است.

طرح ما احیای دوستی و مدارا و بردباری است

طرح ما برای آینده، برچیدن احکام شریعت آخوندی است. ما قانون جزای ضدبشری و سایر قوانین ناقض حقوق بشر در این رژیم را رد می‌کنیم. ما مقررات قصاص را ضدانسانی می‌دانیم.

ما از قانونی دفاع می‌کنیم که برپایه گذشت و شفقت و انسانیت است.

مسعود رجوی، رهبر مقاومت، در نبردهای ارتش آزادیبخش ملی ایران، هزاران تن از عوامل دستگیر شده خمینی را که بسیاری از آن‌ها مرتکب قتل مجاهدین شده بودند، بدون کمترین نقض حقوق انسانی‌شان، آزاد کرد. این سنت دیرینه مقاومت مردم ایران است.

طرح ما برای آینده ایران، پی‌ریزی یک قضایه مستقل است

طرح ما دفاع از ارزش‌های دموکراتیک و آزادی، برابری و حریم زندگی خصوصی آحاد مردم است. طرحی که در آن هیچ‌کس خودسرانه دستگیر نمی‌شود، شکنجه ممنوع است. از هیچ متهمی حق دفاع و داشتن وکیل سلب نمی‌شود، اصل برائت محترم شمرده می‌شود و هیچ‌کس و به‌خصوص هیچ‌زنی، در برابر خشونت و تعدی و نقض آزادی از دسترسی به عدالت محروم نیست.

طرح ما برای آینده ایران این است که هیچ‌کس به‌خاطر اعتقاد یا عدم اعتقاد به یک دین یا به‌خاطر دست برداشتن از آن، آزادی و حقوق و جان خود را از دست ندهد.

طرح ما این است که در پناه قانون، تمام جامعه از امنیت حقیقی برخوردار باشد. و همه در برابر قانون مساوی باشند.

ما در پی نظم تازه‌یی هستیم بر اساس آزادی، دموکراسی و برابری.

ما انتخاب کرده‌ایم که بایستیم و نبرد کنیم. تا مردمان به آزادی و خوشبختی برسند.

تا دیگر هیچ نوجوان زیر هجده‌سالی در زندان، برای رسیدن به سن قانونی اعدام، در دالان مرگ منتظر نباشد و هیچ مادری در ماتم فرزند اعدام‌شده‌اش اشک نریزد.

انگیزه ما برای مقاومت تا پیروزی، کینه و انتقام نیست. انگیزه ما عشق به آزادی و انسانیت است.

این فلسفه پایداری ماست.

اعدام در ایران: ابزار سرکوب و ارباب رژیم

در قانون جزای رژیم حاکم بر ایران، هرکس صرفاً به‌خاطر عضویت یا هواداری مجاهدین یا هم‌پیمانی با آن‌ها محارب شناخته شده و حکم محارب اعدام است. کم نیستند کسانی که فقط به‌دلیل داشتن عقیده مخالف اعدام شده‌اند. حال آن که نه از نظر اسلام و نه در حقوق بین‌المللی، مبارزه برای تغییر رژیم جرم نیست بلکه حق اساسی ملت ماست....

امروز در ایران، نقض حقوق بشر، تمام مردم ایران را هدف قرار داده است؛ از مدافعان حقوق بشر تا زنان و جوانان و معلمان و ...

در زندان‌های سراسر کشور، تعداد زیادی از هموطنان بی‌دفاع ما مخفیانه اعدام می‌شوند. و چند هزار نفر زیر حکم اعدام قرار دارند. به مادران و پدرانشان فکر کنیم و به همسران و بچه‌هایشان که روز و شب در چه اضطرابی زندگی می‌کنند. به زنانی فکر کنیم که برای پرداخت دیه و نجات همسرانشان از اعدام، کلیه‌های خود را می‌فروشند....

روحانی صریحاً گفته است که این اعدام‌ها «یا بر اساس قانون خداست یا قانونی است که مجلس تصویب کرده ... و ما مجری هستیم». آخوندهای حاکم هر اختلافی که با هم داشته باشند، درباره اعدام و سرکوب اشتراک نظر دارند. آن‌ها برای حفظ رژیمشان از اعدام‌ها سود می‌برند....

اعدام‌ها: ابزاری برای سرکوب در ایران

هدف آخوندها تنها و تنها ارباب جامعه و خفه‌کردن اعتراضات اجتماعی است.

آن‌ها آدمکشی را به‌صورت یک امر عادی و روزمره درآورده‌اند. آن‌ها با حلق‌آویزهای خیابانی در برابر چشم اعضای خانواده و حتی در برابر کودکان، قلب و ذهن و ضمیر آن‌ها را درهم می‌کوبند. اعدام، شکنجه، سنگسار، دست و پا بریدن و چشم درآوردن در این رژیم، نهادینه شده و جامعه قانون پوشیده است.

یک بهانه دیگر آخوندها در مورد اعدامها اجرای احکام اسلام است. حال آن که قانون قرون وسطایی قصاص که آخوندها شمار زیادی از هموطنان ما را به بهانه آن اعدام می‌کنند، با پیام عفو و رحمت اسلام در تعارض است. دینامیسم اسلام و قرآن این احکام ضدانسانی را رد می‌کند.

حیات و حاکمیت این رژیم در گروی اعدامهاست زیرا اگر اعدام نباشد، دیگر چه چیزی جلودار انفجار خشم عمومی و اجتماعات جوشان توده‌های مردم است؟ اگر اعدامها نباشد آخوندها با چه اهرمی می‌توانند تمام آزادی‌های مردم را سلب کنند و سرکوب و ارباب و محدودیت را تا خصوصی‌ترین زوایای زندگی مردم گسترش دهند؟ اگر اعدامها نباشد آخوندها چگونه می‌توانند هر روز قیمت‌ها را چند برابر کنند، و هر روز درآمد و ثروت مردم را برای جنگ در منطقه یا غارت و زندگی فوق اشرافی خود به باد بدهند؟

و سوال این است که چرا زندانیان سیاسی در ایران، زجرکش یا حلق‌آویز می‌شوند و جهان خاموش است؟ چرا نوجوانان در ایران اعدام می‌شوند و جهان نسبت به آن ساکت است؟ و چرا این استبداد وحشی تحت فشار قرار نمی‌گیرد که دست کم اسامی اعدام‌شدگان را به طور کامل منتشر کند؟

نادیده گرفتن حقوق بشر و آزادی مردم ایران، مبنای شکست سیاست غرب، نه فقط در قبال ایران، بلکه در قبال کل منطقه است. در توافق اتمی، عاملی که می‌توانست آخوندها را به عقب‌نشینی کامل مجبور کند، مشروط کردن هر توافقی به حقوق بشر مردم ایران بود. وقتی که آخوندها در اعدام فرزندان مردم ایران دست باز پیدا می‌کنند، تهدیدات خود علیه منطقه و جهان را هم افزایش می‌دهند.

بنابراین به دولت‌های غرب می‌گوییم: روابط با این رژیم را به توقف اعدامها مشروط کنید.

پرونده نسل‌کشی این رژیم در سال ۱۳۶۷ را برای محاکمه جنایتکاران علیه بشریت به دادگاه بین‌المللی جنایی ارجاع دهند و رژیم آخوندها را برای آزادی زندانیان سیاسی تحت فشار بگذارند. (۲)

پانویس:

۱- سخنرانی در در اجلاس سه روزه شورای ملی مقاومت ایران به مناسبت آغاز چهلمین سال تاسیس شورا (۲ تا ۵ مرداد ۹۹)